

سرمقاله

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه شریک قرآن

سرمقاله

یکی از آموزه‌های مهم در تفکر اسلامی، نقش و جایگاه امام معصوم علیه السلام است. در روایات مختلف و متعددی که در مجامع شیعی و سنی نقل شده است، معرفت به امام، جدا کننده اسلام و جاهلیت دانسته شده است. علاوه بر این جایگاه رفیعی که برای امام معصوم علیه السلام مطرح است، سخن دیگر در نسبت و رابطه امام معصوم علیه السلام با قرآن کریم است. در روایات مختلفی امام «شریک القرآن» معرفی شده است. در یکی از زیارت‌های امام حسین علیه السلام امام شریک قرآن خطاب شده است:

السلام عليك يا امين الرحمن، السلام عليك يا شريك القرآن،
السلام عليك يا عمود الدين، السلام عليك يا باب حكمة رب
العالمين، السلام عليك يا عيبة علم الله، السلام عليك يا موضع سر
الله، السلام عليك يا ثار الله و ابن ثاره والوتر والموتور السلام
عليك وعلى الارواح التي حلت بفنائك^۱.

علامه حلی نیز در استدلالی کلامی بر لزوم امامت، امام را شریک قرآن در تبیین احکام دین دانسته است. از نظر وی یکی از دلایل نیاز به امام شراکت وی، در هدایت گری قرآن است. در استدلال هفتاد و نهم وی بر امامت، بر دو نکته ضرورت وجود امام و عصمت وی تمرکز شده است. استدلال وی در کتاب *الانفسین* چنین است:

امام شریک قرآن در تبیین احکام است. از آنجا که احکام غیر متاهی بوده و کتاب متاهی است و برای مجتهد امکان علم به آنها میسر

نیست، پس بدان جهت به وجود امام نیاز است. پس چنانکه ممتنع است باطل در قرآن راه یابد، بر امام نیز باطل راهی ندارد؛ چون امام و قرآن از این جهت یکسان هستند، پس امام معصوم است.^۲

در روایات اسلامی رابطه قرآن کریم و امام معصوم، به عنوان دو ثقل مهم و میراث برتر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یاد شده است. طبق نقل شیخ صدوق در خصال پیامبر گرامی اسلام حدیث معروف به ثقلین را در مسجد جحفه ایراد فرموده است. در احادیث دیگری - که یکی از آنها را نعمانی در کتاب *الغیبه* نقل کرده است، - مکان این حدیث مسجد خیف معرفی شده است.^۳ طبق روایت شیخ صدوق آن حضرت پس از اعلام جانشینی حضرت علی علیه السلام می فرماید:

بدانید که شما در روز قیامت در کنار حوض بر من وارد خواهید شد و فردا از شما سؤال خواهم کرد، پس از من با ثقلین چگونه رفتار کردید؟ پس مراقب باشید در حین ملاقات با من با آنان چگونه رفتار کرده‌اید. پرسیدند: یا رسول الله ثقلین چیستند؟ حضرت فرمود: ثقل اکبر کتاب خداوند متعال است که سببی ممدود از جانب خداوند و من به سوی شما و در دستان شما است. سوی دیگر این سبب به سمت شما است. در آن علم گذشته و آینده تا روز قیامت است. اما ثقل اصغر، پس آن هم سوگند قرآن است و او همان علی بن ابی طالب و خاندان او هست. این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا در کنار حوض بر من وارد شوند.^۴

روایت ثقلین با تقریرهای مختلفی، از سوی راویان شیعی و سنی نقل شده است. اما آنچه که در این روایات اهمیت دارد، «نقش و جایگاه امام معصوم و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله در هم سنگی با قرآن است. از دیدگاه شیعیان امام معصوم علیه السلام مفسر قرآن است. درک کامل مفاهیم قرآن صرفاً منحصر در مطهرین است. «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»^۵. «مطهرون» طبق تفاسیر قرآنی، همان اهل بیت عصمت و طهارت می‌باشند که خداوند در قرآن به تمجید آنان پرداخته و بر طهارت آنان حکم نموده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»^۶.

در روایات نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اهل بیت ثقل اصغر خوانده شده است. قرآن به عنوان کلام الهی ثقل اکبر است. اهمیت قرآن نسبت به اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام آن است که قرآن، پیام الهی بوده و بدان جهت تقدم دارد. در تعبیر مبارک پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز همواره تقدم با خداوند بوده است. فضیلت پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر پیامبران پیشین، از آنجا آشکار می‌شود که حتی در حساس‌ترین و خطرناک‌ترین اوضاع نیز ادب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حاکی از تقدم خداوند بوده است و این اوج غرق شدن در محبوب، در بیان آن حضرت است. قرآن کریم گزارش گفت‌وگوی آن حضرت را با مصاحب خویش، در غار ثور چنین نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا»^۷. عظمت این تعبیر را می‌توان در مقایسه آن با کلام حضرت موسی یافت. حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام نیز در مواجهه با وضعیت مشابه و تعقیب لشکر فرعون، هنگام رسیدن به رود نیل به تسکین خاطر بنی اسرائیل می‌پردازد و خداوند را به یاد آنان می‌آورد. اما هر چند در هر دو تعبیر «خداوند تسکین دهنده قلوب است»، اما ادب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باعث شده است که نام مبارک خداوند بر خویشتن وی تقدم یابد. إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا. اما در کلام حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام، آن حضرت خویش را بر خداوند مقدم ساخته است. «قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ»^۸.

بدین سان است که در کلام نبوی، قرآن به عنوان کلام الهی ثقل اکبر خوانده شده است. البته امام «قرآن ناطق» است و بر ظاهر قرآن برتری و تفوق دارد. اما چنین تفوقی، صرفاً نسبت به قرآن ظاهری و در دست مردم است. اما امام نسبت به قرآن حقیقی و آنچه که کلام الهی است، خاضع بوده و معلم و مروج آن است. فقیه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام مرحوم آیت الله تبریزی رحمته الله نیز در سؤالی که از معظم له، در نسبت امام و قرآن می‌پرسند، بر این نکته تأکید می‌کنند. از ایشان درباره رأیی سؤال شده است که طبق آن اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در نزد خداوند افضل از قرآن کریم دانسته شده است. ایشان پاسخ داده‌اند:

قرآن بر دو امر اطلاق می‌شود: نخست، نسخه چاپ شده یا خطی موجود در دست مردم؛ و دیگری آنچه به واسطه جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام بر پیامبر

اسلام ﷺ نازل شده است و نسخ چاپی یا خطی از آن حکایت می‌کنند. این همان است که ائمه علیهم‌السلام جان خویش را برای بقای آن و عمل به آن قربانی نموده‌اند. و این همان ثقل اکبر است و با بقای بعضی نسخ آن نیز باقی می‌ماند. اهل بیت علیهم السلام ثقل اصغر هستند. اما نمی‌توان قرآن را در معنای نخست که بر هر نسخه‌ای اطلاق می‌شود، با منزلت اهل بیت علیهم السلام مقایسه کرد؛ بلکه امام قرآن ناطق است و این قرآن صامت و هنگام دوران امر بین حفظ امام علیه‌السلام و حفظ برخی نسخ چاپی یا خطی، پس حتماً می‌بایست بر حفظ امام اقدام نمود، چنان‌که این امر در قضیه صفین اتفاق افتاد.^۱

طبق روایات وارده، ثقلین از همدیگر جدایی ناپذیرند. بدین جهت است که رابطه امام با قرآن، از منظر دیگری نیز نمود می‌یابد. طبق تصریح قرآن کریم، قرآن در دو مرحله تنزیل و انزال ابلاغ شده است. مرحله تنزیلی، مرحله تدریجی است و اختصاص به ساحت مقدس پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دارد و در طول ۲۳ سال دوره رسالت بر آن حضرت نازل شده است تا با بیان تدریجی احکام اسلامی، به جامعه تازه مسلمان، آنان را در موارد پیش رو راهنمایی کند. آیه شریفه «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مَكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا»^۱، نزول تدریجی آن را بیان می‌کند. اما علاوه بر این مرحله، قرآن به صورت انزال یک باره نیز از جانب خداوند نازل شده است. در سوره قدر بر این امر تصریح شده است: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»^{۱۱}

در جای دیگر بر وقوع انزال قرآن در شب قدر تأکید شده است: «وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ»^{۱۲}، طبق روایات اسلامی هر چند وقوع تنزیل قرآن یک مرحله بیش نبوده است؛ اما انزال قرآن همواره در شب قدر رخ می‌دهد و تکرار می‌شود. از این جهت یکی از مسائل مطرح در این زمینه ارتباط قرآن به عنوان ثقل اکبر با امام به عنوان ثقل اصغر است. مفسران شیعی با تمسک به این مسأله، از نزول قرآن در شب قدر بر قلب مبارک امام سخن گفته‌اند. شب قدر، شب تقدیر اعمال و نزول فرشتگان و روح است. مهبط و محل نزول قرآن،

فرشتگان و روح، جز امام نخواهد بود و با توجه به استمرار این امر لازم خواهد بود تا همواره امام حضور داشته باشد و قرآن و تقدیر اعمال را دریافت کند. این امر حاکی از پیوند مجدد میان امام معصوم علیه السلام و قرآن کریم است. بدیهی است در عصر کنونی - که عصر ولایت و امامت حضرت ولی عصر علیه السلام می باشد - قرآن با آن حضرت عجین گشته و آن حضرت قرآن ناطق است. صاحب تفسیر نور الثقلین همراه با دیگر مفسران شیعی، استناد نموده‌اند که بدون وجود امام، شب قدر نیز امکان پذیر نخواهد بود. وجود شب قدر، به عنوان شب نزول قرآن و نازل شدن ملائکه و روح، دلیل بارزی برای وجود امام و عدم جدایی ثقل اکبر و ثقل اصغر است.

در روایات مختلفی با شب قدر بر ضرورت امامت احتجاج شده است. در حدیثی امام باقر علیه السلام فرمود: «یا معشر الشیعة! خاصموا بسورة اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ تَفْلَحُوا، فوالله انْهَا لِحِجَّةُ الله تبارک و تعالی علی الخلق بعد رسول الله صلی الله علیه و آله و انْهَا لَسَيِّدَةُ دینکم و انْهَا لغایة علمنا. یا معشر الشیعة! خاصموا بحم و الکتاب المبین... فانْهَا لولایة الامر خاصة بعد رسول الله...»؛ «ای جماعت شیعه! با خصم خود به سوره «انا انزلناه» مواجه کنید که پیروز خواهید شد. پس سوگند به خدا که این سوره از برای حجت خداوند - تبارک و تعالی - بعد از رسول است. این سوره همانا مدرک دین شما و نهایت علم ما است. ای جماعت شیعه! با آیه «حم و الکتاب المبین...» احتجاج کنید؛ زیرا این آیات اختصاص به والیان امر بعد رسول خدا دارد...»^{۱۳} و نیز فرمود: «وَأَیْمُ اللَّهِ! إِنْ مِنْ صَدَقٍ بَلِیْلَةِ الْقَدْرِ، لَیَعْلَمَنَّ أَنَّهُا لَنَا خَاصَّةٌ...»؛ «به خدا سوگند؛ همانا هر کس تصدیق کند لیلۃ القدر را، علم پیدا می کند که از برای ما است...»^{۱۴}.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود: «آمَنُوا بَلِیْلَةِ الْقَدْرِ، إِنَّهَا تَكُونُ لَعَلَى بَنِیِ اَبِی طَالِبٍ و لَوْلَدِهِ الْاَحَدِ عَشْرٍ مِنْ بَعْدِهِ»؛ «به لیلۃ القدر ایمان آوردید؛ زیرا برای علی بن ابی طالب و یازده فرزند بعد از او است».^{۱۵} امیرالمؤمنین علیه السلام به ابن عباس

فرمود: «إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ، وَأَنَّهُ يَنْزِلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرُ السَّنَةِ وَأَنَّ لِذَلِكَ الْأَمْرَ وَلَاةَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقُلْتُ: مَنْ هُمْ؟ فَقَالَ: أَنَا وَأَحَدٌ عَشْرَ مَنْ صَلَبِي أُمَّةٌ مُحَدَّثُونَ...» «همانا در هر سال لیلۃ القدر است، در آن شب امر یک سال نازل می‌شود. برای آن والیانی است بعد از رسول خدا ﷺ. ابن عباس می‌گوید: عرض کردم: آنان چه کسانی اند؟ حضرت فرمود: من و یازده نفر از صلب من که همگی امام و محدث‌اند».^{۱۶}

رابطه حضرت مهدی ﷺ با قرآن کریم، تنها به این امور ختم نمی‌شود. موارد فوق در تمامی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام جاری بوده است. اما رابطه امام با قرآن کریم، تجلی خاصی نیز در عصر ظهور دارد. چنین رابطه‌ای به حضرت مهدی علیه‌السلام اختصاص دارد. در روایات اسلامی تأکید شده است که آن حضرت احیاگر قرآن است. این احیاگری در راستای اصلاحات دینی و فرهنگی و نوسازی جامعه اسلامی است. مجموع این نوسازی‌ها و بازسازی‌ها گاه آن چنان زیاد و دگرگون کننده است که در پاره ای از روایات اسلامی، از آن به «دین جدید» و «کتاب جدید» تعبیر شده است. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام در کتاب «اثبات الهداة» نقل شده است: «إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ يَقُومُ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ، وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ، وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ؛ هُنَّكَ مِثْلُ مَا خَرَجَ خُرُوجَ كِتَابٍ تَازِهِ، وَ كِتَابٍ تَازِهِ، وَ رُوشٍ تَازِهِ وَ دَاوِرِي تَازِهِ أَيْ بِأَخُوذِ مِثْلِ مَا أُورِدَ».^{۱۷}

تازگی این برنامه‌ها و روش‌ها و داوری‌ها، نه به خاطر آن است که مذهب جدیدی با خود می‌آورد، بلکه آن چنان اسلام را از میان انبوه خرافات، تحریف‌ها، تفسیرهای نادرست و تلقی‌های غلط بیرون می‌آورد که بنایی کاملاً نو و جدید جلوه می‌کند. همچنین تازگی کتاب نه مفهوم آن است که یک کتاب آسمانی جدید بر او نازل شود، چرا که امام قائم است و حافظ دین، نه پیامبر و آورنده آیین و کتاب جدید؛ بلکه قرآن اصیل فراموش شده را چنان از زوایای تحریف‌های معنوی و تفسیرهای نادرست بیرون می‌کشد که می‌توان نام کتاب جدید بر آن گذاشت.^{۱۸} بدین سان جدایی ناپذیری و شراکت قرآن با امام معصوم علیه‌السلام در این

عصر ظهور، مجددا تجلی خواهد یافت و آن حضرت احکام قرآن کریم را بر روی زمین زنده خواهد نمود.

سر دبیر

پی نوشت

۱. نک: ابن طاووس، اقبال الاعمال، تحقیق جواد القیومی الاصفهانی، (قم، مکتب الاعلام الإسلامی، محرم الحرام ۱۴۱۶)، ج ۳، ص ۳۴۱.
۲. العلامة الحلی، کتاب الألفین، کویت، مکتبه الالفین، ۱۴۰۵ - ۱۹۸۵ م، ص ۲۰۹ و ۲۱۰.
۳. محمد بن ابراهیم النعمانی، کتاب الغیبه، تحقیق فارس حسون کریم، (قم، موسسه انوار الهدی، ۱۴۲۲)، ص ۴۹ و ۵۰.
۴. الشیخ الصدوق، الخصال، تصحیح و تعلیق: علی أكبر الغفاری، قم، منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية فی قم المقدسة، ذی القعدة الحرام ۱۴۰۳ - ۱۳۶۲ ش، ص ۶۵ - ۶۷.
۵. واقعه: ۷۹.
۶. احزاب: ۳۳.
۷. توبه: ۴۰.
۸. شعراء: ۶۲.
۹. تعلیقه آیت الله تبریزی بر کتاب: صراط النجاة فی أجوبة الاستفتاءات، (قم، دار الاعتصام للطباعة و النشر، ۱۴۱۷)، ج ۲، ص ۵۶۶ و ۵۶۷.
۱۰. اسراء: ۱۰۶.
۱۱. قدر: ۱.
۱۲. دخان: ۳.
۱۳. کافی، ج ۱، ص ۲۴۹.
۱۴. همان، ج ۱، ص ۲۵۲-۲۵۳.
۱۵. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۰-۲۸۱.
۱۶. کافی، ج ۱، ص ۲۴۷-۲۴۸.
۱۷. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۵.
۱۸. آیت الله مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی عج، قم (انتشارات هدف)، ص ۲۸۵.